

## تعریف وارونه‌ی «تروریسم» به مثابه تعیین هدف ترور

این روزها که خاورمیانه بار دیگر به صحنه‌ی جنگ و کشتار بدل شده و دیگر خبری از «بهار عربی» و خیزش مردم در خیابان‌ها و «التحریر»ها نیست؛ حالا که چتر آتش و خون بر فراز همه‌جا این منطقه گسترده شده و صدای انفجار بی‌وقفه در گوش‌های کودکان سوری و عراقی و کرد و فلسطینی سوت می‌کشد؛ حالا، دوباره سرخط همه‌ی اخبار رسانه‌ها، به «تروریسم» اختصاص یافته است، و شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های رنگارنگ برای مان از خطر تروریست‌ها می‌گویند. پرزیدنت‌ها و سخنگوهایشان در محکومیت تروریسم سخن‌سرایی می‌کنند و با تأکید بر جدیت و عزم خود برای زدودن لین خطر، به مردمان‌شان اطمینان خاطر می‌دهند؛ تا دوباره لزوم «انتخاب خطیر و دشوار» حمله‌ی نظامی از میان گزینه‌هایی که روی میز اند، به ضرورتی بدیهی بدل شود. از همین روست که اصحاب رسانه و سلطه پرده از چهره‌ی حاملان این خطر برمی‌دارند، تا برهم‌زنندگان «آزادی» و «صلح» در «دهکده‌ی جهانی»، یعنی همان‌ها که باید «حذف» شوند، را بشناسیم:

تروریسم، خمپاره‌ایست که به سمت تانک‌های «نیروی دفاع اسرائیل» در کوچه‌پس‌کوچه‌های غزه شلیک می‌شود؛

تروریسم، اعتراض بومیان «نامتمدن» در خیابان‌های سائوپائولوی مملو از توریست‌های جام‌جهانی است؛

تروریسم، ساختن باریکاد در کوچه‌های مشرف به «گزی‌پارک» است؛

تروریسم، تشکیل «غیرقانونی» صفوف اعتصاب توسط معدن‌چیان «ماریکانا» در افریقای جنوبی است؛

تروریسم، اعتصاب غذای پناهجویانی است که تن خود را انتحار می‌کنند؛

تروریسم، خطر بالقوه‌ای است که با راه‌رفتن مسلمانان در خیابان‌های سنگ‌فرش‌شده‌ی غرب طنین می‌اندازد؛

تروریسم، شعار دادن در خیابان‌های کرانه‌ی باختری، تل‌آویو و پاریس در همبستگی با غزه است؛

تروریسم، سنگ در دست نوجوانان فلسطینیست؛

تروریسم، یعنی حضور همه‌ی «حبیب‌الله گلپری‌پور»هایی که سیاست‌ورزی برای‌شان محدود به صندوق انتخابات نیست؛

همه‌ی کسانی که خطرمرزهای «قانونی» را نفی می‌کنند، و نظم حاکم در جامعه را تهدید می‌کنند؛

تروریسم، نفس وجود همه‌ی آن‌هایی است که جان‌شان به لب‌شان رسیده و شعار سرنگون باد...  
سرمی‌دهند؛

و خلاصه آنکه «تروریسم»، هر آن کنشی است که «براندازی» «وضع موجود» را نشانه می‌رود!

## متن ترانه

ترانه: LowKey

ترجمه و توضیح: لاله پاشا

خوب، باید از خودمان پرسیم:  
تعریف «تروریسم» در فرهنگ لغت چیست؟  
استفاده‌ی نظام‌مند از «ترور»،  
به‌ویژه برای اعمال قهر.

اما ترور چیست؟

طبق فرهنگ لغتی که در دست دارم،  
ترور کنشی خشونت‌آمیز و یا ویرانگر است،  
مانند بمب‌گذاری توسط گروه‌هایی که  
با ارباب مردم یا دولت  
در پی دستیابی به خواسته‌هایشان هستند.

پس تروریست کیست؟

من رو تروریست صدا می‌زنن،  
انگار نمی‌دونن که ترور کیه.  
اگر این رو به من نسبت بدن،  
بهشون این رو می‌گم:  
من تماما عشق و صلح‌ام.

من رو تروریست صدا می‌زنن،  
انگار نمی‌دونن که ترور کیه.  
دارن به شعور من توهین می‌کنن،  
وای که این مردم  
چطور قضاوت می‌کنن؟

به نظر میاد که عمامه‌به‌سرها و پاکستانی‌ها

بابات رو نگران می کنن،  
اما غذای مورد علاقه ی بابات  
کاری و کبابه.

خنده داره، البته خوب ناراحت کننده هم هست  
که چطور اون ها باعث میشن  
مادرت کیفش رو محکم بگیره و  
با عجله رد بشه.  
اولویت برای تو خوردنِ «دِ سان» هست  
تا مطالعه ی این همه حقایق.

تو بهم بگو،  
بزرگترین تهدید برای جامعه ی بشری چیه؟  
شرکت صنایع نظامی «بی.ای.ای.سیستمز» بریتانیا  
یا بمب های دست ساز؟

هوایماهای بدون سرنشین کنترل از راه دور  
که در یک لحظه  
زندگی آدم های زیادی رو نابود می کنه،  
یا مردی که با بمب دست ساز انتحار می کنه؟

می دونم وقتی که  
برج ها فروریختن وحشت کردی،  
این ها همش تروره،  
اما بعضی از اشکالش قدرتمندترن.

منطقی به نظر نیاد؛  
چطور ممکنه  
از عذابی آن چنانی در اسرائیل صحبت بشه،  
در حالی که  
تعداد اونهایی که اونجا از آلرژ می میرن،  
بیشتر از کسانیه که در جنگ می میرن.

انگار هرگز

هیچ تعریفی از تروریسم وجود نداشته.  
حدس می‌زنم این تعریف  
بسته به کسی که می‌خواید  
ازش انتقام بگیرید تغییر می‌کنه.

با سخنوری و لفاظی هم نمی‌تونین  
حرفتون رو به ما غالب کنین،  
حرفتون جفنگه،

حالا شما بگین تروریست واقعی کیه؟

من رو تروریست صدا می‌زنن،  
انگار نمی‌دونن که ترور کیه.  
اگر این رو به من نسبت بدن،  
بهشون این رو می‌گم:  
من تماما عشق و صلح‌ام.

من رو تروریست صدا می‌زنن،  
انگار نمی‌دونن که ترور کیه.  
دارن به شعور من توهین می‌کنن،  
وای که این مردم  
چطور قضاوت می‌کنن؟

لومومبا دموکراسی بود،  
مصدق دموکراسی بود،  
آلنده دموکراسی بود،  
این ریاکاری شماسه که  
حال من رو به هم می‌زنه.

اگر نخوای مستعمره باشی،  
بهت می‌گن تروریست.  
واسه این که قبلا  
در برابر سیاست چپاول‌تون سر خم کردیم.

تروریسم ترانه‌ی منه؟  
وقتی تعداد سربازهای ویتنامی که  
بعد از جنگ خودکشی کردن،  
بیشتر از اونهایی بوده که  
در طول جنگ کشته شدن.

این که دیگه خیلی ساده‌ست...  
یک کشور در جهان  
بیشتر از هزار پایگاه نظامی داره!

میگن مشکل مذهبه،  
ولی معلومه که مشکل این نیست؛  
فقط مسلمان‌ها نیستن که  
در مقابل امپریالیسم شما می‌ایستن:

هوگو چاوز مسلمان بود؟  
نه... گمون نکنم.  
کاسترو مسلمان بود؟  
نه... گمون نکنم.

انگار هرگز هیچ تعریفی  
از تروریسم وجود نداشته.  
حدس می‌زنم این تعریف بسته  
به کسی که می‌خواید ازش انتقام بگیرید،  
تغییر می‌کنه.

با سخنوری و لفاظی هم نمی‌تونین  
حرفتون رو به ما غالب کنین،  
حرفتون جفنگه،  
حالا شما بگین تروریست واقعی کیه؟

من رو تروریست صدا می‌زنن،

انگار نمی‌دونن که ترور کیه.  
 اگر این رو به من نسبت بدن،  
 بهشون این رو می‌گم:  
 من تماما عشق و صلح‌ام.

من رو تروریست صدا می‌زنن،  
 انگار نمی‌دونن که ترور کیه.  
 دارن به شعور من توهین می‌کنن،  
 وای که این مردم چطور قضاوت می‌کنن؟

خیال می‌کنی که من نمی‌دونم،  
 اما من می‌دونم، می‌دونم، می‌دونم.  
 خیال می‌کنی که ما نمی‌دونیم،  
 اما ما می‌دونیم.

خیال می‌کنی که من نمی‌دونم،  
 اما من می‌دونم، می‌دونم، می‌دونم.  
 خیال می‌کنی که ما نمی‌دونیم،  
 اما ما خوب می‌دونیم.

«برج‌های تجارت جهانی» تروریسم بود؟  
 «نانو ترمیت» تروریسم بود؟  
 «دیگو گارسیا» تروریسم بود  
 مطمئنم که «کونتراس» تروریسم بود.  
 استفاده از فسفر برای سوزاندن دست،  
 تروریسمه.

ارگون و لحي تروریسم بودند.  
 کاری که در «هیروشیما» کردن،  
 تروریسم بود.  
 کاری که در «فلوجه» کردن،  
 تروریسم بود.

بلایی که در نهایت با ماندلا  
 بر سر «کنگره ملی آفریقا» آوردن،  
 اون تروریسم بود.  
 بلایی که با جری آدامز  
 بر سر «ارتش جمهوری یخوایرلند» آوردن،  
 اون تروریسم بود.

اریک پرینس و شرکت بلکواتر  
 تروریسم بود.  
 بمب‌گذاری مک‌وی تو اوکلاهاما،  
 تروریسم بود.

هر روز [دولت] ایالات متحد،  
 اونه که تروریسمه.  
 هر روز [دولت] بریتانیا،  
 اونه که تروریسمه.  
 هر روز، هر روز، هر روز...

عصر به خیر احمد.

عصر به خیر... کافر.

پس تو یه تروریستی؟

آره، من یه تروریستم.

چه جور تروریستی هستی؟

یه تروریست... ترسناک.

ساکت! می کشم تون!

به نظر شما این‌ها تروریست هستند؟

یا این‌ها تروریست هستند؟

بگذارید انسانیتِ درون‌تان قضاوت کند، نه تعصبات و پیش‌داوری‌تان.

## توضیح مختصر برخی عبارات به کار رفته در متن ترانه

«د سان» **The Sun**: نشریه‌ای زرد که پرفروش‌ترین روزنامه‌ی بریتانیاست.

«بی.ای.ای.سیستمز» **BEA Systems**: یک شرکت صنایع نظامی و هوا-فضایی بریتانیایی است که بزرگترین شرکت صنایع نظامی اروپا و دومین شرکت بزرگ در لین حوزه در دنیا است. لین شرکت جنگ‌افزارهای هوایی و زمینی و دریایی و امنیتی-نظامی و غیره تولید می‌کند.

**نانوترمیت**: ماده‌ی منفجره‌ای بسیار قوی که غالباً در عملیات تخریب ساختمان از آن استفاده می‌شود. با استناد به شکل فروریختن برج‌های تجارت جهانی و درجه حرارت بالای ایجاد شده پس از انفجار ۱۱ سپتامبر، فرضیه‌ای قابل تأمل مبنی بر استفاده از ماده‌ی نانوترمیت در این حادثه مطرح شد.

**دیه‌گو گارسیا**: نام جزیره‌ای در اقیانوس هند که محل یکی از انبارهای مهمات ایالات متحد و واحد مرکزی برای اطلاعات ماهواره‌ای است. در جنگ خلیج و اشغال افغانستان و عراق، ارتش ایالات متحد از این پایگاه سری برای سازمان‌دهی عملیات هوایی و دریایی استفاده می‌کرد.

**کونتراس**: «کونترا»ها گروه‌های «ضد انقلاب» نیکاراگوئه بودند که در بین سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۹۰ با حمایت مالی و نظامی ایالات متحد جنایات بسیاری علیه دولت مردمی «ساندینیست»ها مرتکب شدند. دولت ریگان با کمپین «پروپاگاندا ی سفید» تلاش می‌کرد تا خشونت‌های کونتراس را تقلیل داده و در مقابل، تبلیغات وسیعی برای تخریب وجهه‌ی ساندینیست‌ها به راه اندازد.

**فسفر سفید**: نام ماده‌ای شیمیایی است که برای تولید سلاح‌های کشتار جمعی استفاده می‌شود. بمب‌های حاوی فسفر سفید از قدرت تخریبی بالایی برخوردار نیستند و با هدف کشتن انسان‌ها، که با سوختگی عمیق و مرگی دردناک همراه است، تولید می‌شوند. این سلاح شیمیایی در جنگ کره، ویتنام، حلبچه و فلوجه توسط ایالات متحد، در چین توسط روسیه، در غزه توسط رژیم اسرائیل و در لیبی توسط ناتو مورد استفاده قرار گرفت.

**لجی و ارگون Irgun و Stern Gang**: سازمان‌های صهیونیستی دست‌راستی که در سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۴۸ علیه نیروهای بریتانیایی، اعراب و به‌ویژه فلسطینیان، عملیات ترور، بمب‌گذاری و کشتار انجام می‌دادند. سرانجام این سازمان‌ها در ساختار نظامی-امنیتی دولت تازه تاسیس اسرائیل ادغام شدند.

**هیروشیما**: اشاره به انفجار بمب هسته‌ای که در سال ۱۹۴۵ توسط بمب افکن‌های ایالات متحد بر سر مردم هیروشیما فروریخت. این فاجعه منجر به جان باختن ۱۴۰ هزار نفر تا پایان سال ۱۹۴۵ و ۶۰ هزار نفر در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۱ شد.

**فلوجه**: شهری سنی‌نشین در استان الانبار در عراق است. در جریان «جنگ عراق» نیروهای نظامی ائتلافی، به‌ویژه ایالات متحد، از بمب‌های شیمیایی حامل فسفر سفید علیه غیرنظامیان استفاده کردند که منجر به یک فاجعه‌ی انسانی شد. دولت ایالات متحد در ابتدا این اقدام خود را انکار کرد؛ ولی در نهایت



با به میان کشیده شدن مدارک عدیده و صوری شدن انکار فاجعه، مجبور شد بپذیرد که با استفاده از سلاح‌های گوناگون شیمیایی که مردم غیرنظامی را هدف داده بود، جنایت جنگی مرتکب شده است.

**ماندلا و کنگره ملی آفریقا:** اشاره به دخالت‌گری سازمان «سیا» (CIA) برای مهار جنبش رهایی‌بخش سیاهان در آفریقای جنوبی است. کنگره ملی آفریقا سازمانی متشکل از سه حزب ضدآپارتاید و چپ بود که مبارزات رادیکالی را سازمان‌دهی می‌کرد و تحت حمایت وسیع اکثریت سیاه‌پوست در آفریقای جنوبی بود. در اواخر دهه‌ی هشتاد، سیا پس از سازمان‌دهی گروه‌های نژادپرست سفید، ترور کریس هانی رهبر حزب کمونیست آفریقای جنوبی و اقدام‌های سرکوب‌گرانه‌ی دیگر، از چهره‌ی نلسون ماندلا رهبر زندانی کنگره که از محبوبیت بسیاری برخوردار بود، بهره‌برداری کرد تا توافقاتی را به ثمر برساند که در نهایت «کنگره ملی آفریقا» و مبارزات ضدآپارتاید را از اهداف رادیکال خود تهی کرد. توافقاتی که هرچند کنگره ملی آفریقا را به قدرت رساند و به آپارتاید رسمی علیه سیاهان پایان داد، ولی شکل گس‌ترده‌تری از سلطه‌ی سفید را با هموار کردن راه آپارتاید اقتصادی به وجود آورد.

**جری آدامز و ارتش جمهوری‌خواه:** رهبر حزب «شین‌فن»، دومین حزب بزرگ ایرلند شمالی است. این حزب چپ سابقاً شاخه‌ی نظامی «ارتش جمهوری‌خواه ایرلند» را تشکیل می‌داد. ارتش جمهوری‌خواه ایرلند حدود سی سال با به کار بستن روش‌های مختلف، از جمله مبارزه‌ی مسلحانه، و با هدف استقلال ایرلند شمالی و برقراری جمهوری در این کشور با بریتانیا و دولت استعماری آن در ایرلند شمالی مبارزه می‌کرد. تا این که در سال ۱۹۹۰ و در طی توافق‌نامه‌ای بین بریتانیا و ایرلند شمالی (و نیز جمهوری ایرلند جنوبی) که «توافق جمعه نیک» نامیده می‌شود، ارتش جمهوری‌خواه ایرلند پذیرفت که خود را خلع سلاح نماید. این توافق‌نامه هرچند به پایان جنگ انجامید، ولی در عمل منجر به شکل گرفتن دوباره‌ی دولتی وابسته به بریتانیا و نیز به محاق رفتن اهداف و مشی رادیکال ارتش جمهوری‌خواه ایرلند شد. حزب چپ‌گرای شین‌فن که نقش مهمی در رسیدن به «توافق جمعه نیک» ایفا کرد، اکنون شریک قدرت در ایرلند جنوبی است و در اجرای سیاست‌های راست‌گرایانه مشارکت می‌کند.

**اریک پرینس و بلک‌واتر Blackwater:** افسر نیروی دریایی ارتش ایالات متحد، و از نیروهای سیا (CIA) و از مؤسسان شرکت Blackwater USA است. Blackwater USA یک کمپانی خصوصی خدمات امنیتی-نظامی است که به شکل پیمانکاری در زمینه‌ی تدارکات نظامی و امنیتی در ابعاد عظیم و جهانی فعالیت می‌کند. از جمله‌ی این خدمات نظامی می‌توان به اجیر کردن سربازان و آموزش آن‌ها در راستای خدمت در ارتش ایالات متحد اشاره کرد. این شرکت با به خدمت گرفتن نیروهای بازنشسته‌ی ارتش ایالات متحد، شکنجه‌گران سابق نیروهای اطلاعاتی پینوشه، بانیان جوخه‌های مرگ در آمریکای لاتین و بازماندگان آپارتاید آفریقای جنوبی، نقش بسیار مهمی در آموزش نیروهای ارتش ایالات متحد ایفا می‌کند.

**مک‌وی و انفجار اوکلاهاما:** اشاره به بمب‌گذاری ساختمان فدرال ظهر اوکلاهاما در سال ۱۹۹۵ که توسط تیموتی مک‌وی صورت گرفت. بر اثر این انفجار ۱۶۸ نفر کشته (شامل ۱۹ کودک) و ۴۵۰ نفر مجروح شدند. تیموتی مک‌وی در جنگ خلیج سرباز بود و در دوران جنگ اعتقادش را به «کشور آزاد

امریکا» از دست داد و پس از بازگشت دچار اختلالات پسا جنگ شد. وی که در آن دوران با گروه‌های شبه‌نظامی فاشیستی در ارتباط بود، به گفته‌ی خود به دنبال راهی برای مبارزه با دولت بود. او در سال ۱۹۹۸ طی نامه‌ای به اسوشیتدپرس گفت: «اگر بمباران اهداف خارجی توسط ارتش ایالات متحد را از نظر اخلاقی قابل قبول می‌دانید، ناگزیر به اقداماتی که [دارای عواقبی] برابر با بمب‌گذاری شهر اوکلاهاما هستند هم مشروعیت اخلاقی داده‌اید».

**به یاد هزاران فلسطینی که در وضعیتی فاجعه‌بار و غیرانسانی در زندان‌های رژیم  
صهیونیستی-تروریستی اسرائیل اسیرند.**